

شب بیست و دوم رمضان المبارک

۱۴۳۹



﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنْ

الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا

وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ

لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾

فَيَأْتِيَتْ كَفًّا فَدَتُّ عَمَّرُوا بِخَارِجَةٍ

فَدَتُّ عَلِيًّا بِمِنْ شَاءَتْ مِنْ الْبَشِيرِ

علی اکبر لطیفیان

زینب کنار لاله ی پرپر صبور باش
درداغ بال های کبوتر صبور باش
من می روم شبانه ، غریبانه دخترم
بر سوز این غریبی حیدر صبور باش
اینجا هنوز اول راه است دخترم
زینب کنار تشت برادر صبور باش

علی اکبر لطیفیان

مانند کوه باش و کنار حسین خود
در اضطراب لحظه‌ی آخر صبور باش
تو عزت قبیله‌ای ای دخت فاطمه
دختر کنار پیکر اکبر صبور باش
تقدیر هر چه نام علی تیغ در گلوست
آرام باش و با دل اصغر صبور باش

علی اکبر لطیفیان

ای خواهر دل‌آور سردار علقمه

بر داغ دست‌های دل‌آور صبور باش

تنها توئی و دشت پر از درد بی‌کسی

در چشم بی‌حیائی لشکر صبور باش

بر نیزه می‌شود سر هفتاد و چند مهر

زینب به زیر سایه‌ی یک سر صبور باش

علی اکبر لطیفیان

دستان اهل شام سبک نیست دخترم
آئینه دار صورت مادر صبور باش
آن دم که چوب بر لب عطشان سر زدند
جان پدر، به جان پیمبر صبور باش
شرمنده‌گی بد است، علی هم کشیده است
در آن خرابه خوانی دختر صبور باش

سلامی بر حضرت امیر المؤمنین علیہ السلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَيَعْسُوبَ الدِّينِ، وَقَائِدَ
الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ النَّاطِرَةَ، وَيَدَهُ الْبَاسِطَةَ، وَأُذُنَهُ الْوَاعِيَةَ،
وَحِكْمَتَهُ الْبَالِغَةَ، وَنِعْمَتَهُ السَّابِغَةَ، وَنِقْمَتَهُ الدَّامِغَةَ،
السَّلَامُ عَلَى قَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، السَّلَامُ عَلَى نِعْمَةِ اللَّهِ
عَلَى الْأَبْرَارِ، وَنِقْمَتِهِ عَلَى الْفُجَّارِ،

سلامی بر حضرت امیر المؤمنین علیہ السلام

السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُتَّقِينَ الْأَخْيَارِ، السَّلَامُ عَلَى نُورِ الْأَنْوَارِ
وَسَلِيلِ الْأَطْهَارِ وَعَنَاصِرِ الْأَخْيَارِ، السَّلَامُ عَلَى وَالِدِ الْأُئِمَّةِ
الْأَبْرَارِ، السَّلَامُ عَلَى حَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَجَنْبِهِ الْمَكِينِ، وَرَحْمَةُ
اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَمِينِ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخَلِيفَتِهِ،
وَالْحَاكِمِ بِأَمْرِهِ، وَالْقَيِّمِ بِدِينِهِ، وَالنَّاطِقِ بِحُكْمَتِهِ،

سلامی بر حضرت امیر المؤمنین علیہ السلام

وَالْعَامِلِ بِكِتَابِهِ، أَخِ الرَّسُولِ وَزَوْجِ الْبَثُولِ وَسَيْفِ اللَّهِ
الْمَسْلُوعِ، السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الدَّلَالَاتِ، وَالْآيَاتِ الْبَاهِرَاتِ،
وَالْمُعْجَزَاتِ الْقَاهِرَاتِ، وَالْمُنْجِي مِنَ الْهَلَكَاتِ، الَّذِي ذَكَرَهُ
اللَّهُ فِي مُحْكَمِ الْآيَاتِ، فَقَالَ تَعَالَى، وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا
لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ

تخلی سے ز

اللہ علیہ السلام

آپ میرا بارگاہِ اہلبیت

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنْ

الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا

وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ

لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾

پایان محاجه، آغاز ابتهال

«آیه ابتهال» در صورت ظاهر یک جمله شرطی کامل

است که شرط آن روبه سوی شخص خاتم

پیامبران صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دارد. در این آیه، مشخص شده است

که پس از روشن شدن حق در محاجه‌ها، هیچ فردی

حق ادامه محاجه با پیامبر رحمت را ندارد.

آیة اَبْتِهَالِ هَمْ شَرْطًا وَ هَمْ قَصَصٌ حَقٌّ

این آیه که در صورت ظاهر به صورت یک پیشنهاد صرف و یک جمله شرطی کامل به چشم می آید، یک قصص حق است و این قصص حق را خدای جهانیان بازگو کرده و چیزی از گفتنیها را در آن واگذار نکرده است. شواهد نشان می دهد که این آیه «قصص حق» واقعه‌ای است که در تمام تاریخ زندگانی پیامبر رحمت مانندی نداشته است.

تمام ابعاد واقعه ابتهال از آیه قابل استخراج است

از آن جا که این آیه، یک «قصص حق» است، از خود همین آیه به خوبی می توان تمام این واقعه و ابعاد آن را باز شناسی کرد. این همه در حالی است که باز هم به تشریح آیه، پیامبر رحمت، به صورت رسمی و علنی و عملی این آیه را تبیین کرده است و در هر حال، برای باز شناسی «واقعه ابتهال» نیازی به کمک افرادی نیست که یا یهودی بوده اند و یا یهودی زده.

دوره‌ای از تاریخ زندگانی پیامبر خدا

در صورت ظاهر، «آیهٔ ابتهال» با تاریخ فاصله‌ای بسیار دارد
اما همین آیه با همین الفاظ، تاریخ زندگی پیامبر رحمت را
دوره می‌کند و نشان از تحرکات و جنبشهایی می‌دهد که در
اطراف پیامبر رحمت، برای نابودی او و دین خدای او در
جریان بود. تاریخ وقوع این واقعه، کمتر از ده روز بعد از
واقعهٔ «غدیر خم» است.

مکان ابتهال، جایی در نزدیکی کوه امد

این واقعه، در نزدیکی کوه احد و در زمینی کاملاً مسطح و در جایی به وقوع پیوست که هم امکان حضور در «ابتهال» برای محاجه کنندگان و خانواده‌های آنان فراهم بود و هم امکان تماشای این واقعه برای ناظران و هم امکان گزارش آن برای سایر بلاد و نیز برای آیندگان. **به هر حال، جمعیت بسیار زیادی ناظر «ابتهال» بودند.**

دوره‌ای از عقاید الهی در آیه

از آن جا که «آیهٔ ابتهال» یک «قصص حق» است و از آن جا این آیه روند محاجه در «هر حقی» را مشخص می‌کند و از آن جا که «حق مورد محاجه» تمام اعتقادات را شامل می‌شود، این آیه تمام اعتقادات اعم از توحید و نبوت و امامت و معاد را نیز دوره می‌کند!

دوره‌ای از آیات ولایت و امامت

«آیهٔ ابتهال»، علاوه بر اعتقادات، تمام آیات ولایت و امامت را نیز دوره می‌کند و باتک تک آنها رابطه هم افزایی تعریفی ایجاد می‌کند و به شرح و تبیین عملی آنها می‌پردازد؛ تبیینی که به عملکرد خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله وابستگی کاملی دارد.

آیه ابتهال معرفی نامه فاندان پیامبر رحمت

«آیه ابتهال»، «صادقان» را معرفی می کند، «مطهرون» را
نیز معرفی می کند، «اهل البیت» را معرفی می کند،
«صراط مستقیم» را معرفی می کند، «الذین أنعمت
عليهم» را معرفی می کند، «محور اعتصام» را معرفی
می کند، «حبل الله» را معرفی می کند، «ذکر» را معرفی
می کند

معرفی نامه‌ای الهی برای خاندان پیامبر رحمت

«آیهٔ ابتهال»، «قربی» را معرفی می‌کند، «القربی» را
معرفی می‌کند، «ذوالقربی» را معرفی می‌کند، «اجر
رسالت» را معرفی می‌کند، «ولی مؤمنان» را معرفی
می‌کند، «مولای همگان» را معرفی می‌کند و «امامان
هدایت» را نیز معرفی می‌کند و...

مروری بر نمین آیات ولایت توسط:

آیه مبارکه، ائمه

آیهٔ ابتهال صادقان مطلق را معرفی کرده است

از قید ﴿فَنَجْعَلُ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾ دانسته شد

که «اصحاب ابتهال» باید «صادق» باشند؛ صادقی

که هیچ شبهه‌ای از کذب در اندیشه و گفتار و

رفتار آنان وجود نداشته باشد. به این ترتیب، «آیهٔ

ابتهال»، صادقان مطلق را به روشنی هر چه تمامتر

معرفی می‌کند.

آیة صادقان و فرمان به محبت صادقان

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ

وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾

سوره توبه / ۱۱۹.

تعریف مطهرون و أهل البيت توسط آیه ابتهال

«اصحاب ابتهال» همه خانوادهٔ پیامبر خدا هستند و به
جز پیامبر رحمت، همه ساکن «بیت فاطمه» - که
سلام خدا بر تمام افراد این خانواده باد - هستند و این
بیت، بی‌تی است که با همین نام، در تاریخ ثبت شده
است. این نیز تعریف «مطهرون» و «أهل البيت» است.

آية تطهير

...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ

الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ

تَطْهِيرًا.

سورة احزاب، ٣٣.

محور یگانۀ تنها جامعۀ الهی

با قرار گرفتن «صادقان» و «مطهرون» و «أهل
البیت» در مرکز و محوریت تنها جامعۀ الهی،
عناوین و ویژگیهای بسیار دیگری از این
خانواده ظاهر و روشن می شود و می تواند با
ریشه‌ای قرآنی مورد مذاکره قرار بگیرد.

محور يگانہ تنہا جامعہ الہی

﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا
تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ
ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾

سورہ انعام، ۱۵۳.

هدایت به سوی «اصحاب ابتهال»

عنوان قرآنی دیگر «اصحاب ابتهال»، «صراط
مستقیم» است و تمام مسلمانان در اوقاتی
که باید نماز بگذارند، دست کم روزی ده
مرتبه باید از خدایشان بخواهند تا آنان را به
سوی «اصحاب ابتهال» هدایت کند.

درخواست هدایت همواره به صراط مستقیم

﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ * صِرَاطَ

الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ

عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾

سوره حمد، ۶ و ۷.

قبول ولایت اصحاب ابتهال

تنها جامعه الهی یک حزب است و آن حزب،
به خدا انتساب دارد. غلبه و فوز و ریستگاری و
نجات، از آن این حزب و افرادی است که در
آن حاضرند. شرط حضور در این حزب، قبول
ولایت «اصحاب ابتهال» است.

آية ولایت و معرفی حزب الله

﴿ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ
يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ
* وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ
حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ﴾

سورة مائده، ۵۵ و ۵۶.

اصحابِ اَبْتِهال، حبلِ الله هستند

یکی دیگر از عناوین محور یگانهٔ تنها جامعۀ الهی،
«حبل الله» است و «حبل الله» نیز عنوان دیگری از
«اصحابِ اَبْتِهال» است. بنا بر این، همه باید به
«اصحابِ اَبْتِهال»، اعتصام داشته باشند و
«اعتصام» یعنی در پناه ولایت آنان زندگانی کردن.

مبل الله و اعتصام به الله و به مبل الله

﴿وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ

اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِمَ بِاللَّهِ فَقَدْ

هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ *...* وَأَعْتَصِمُوا

بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾

سوره آل عمران ۱۰۱ تا ۱۰۳.

تصدیق رسالت با جان

اولین اثر «ابتهال» و اقدام برای «ابتهال» تصدیق

پیامبر رحمت و نیز تصدیق رسالت اوست. این

تصدیق البته با قیمت جان انجام شده و صد البته

که این کمترین تعبیر از این عمل است زیرا که

جانهای در این عمل در معرض قرار گرفته اند همه

جان یکدیگر هستند.

آنان که رسالت را تصدیق کردند

وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ
هُمُ الْمُتَّقُونَ * لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ
رَبِّهِمْ ذَلِكَ جِزَاءُ الْمُحْسِنِينَ

سوره زمر، ۳۳ و ۳۴.

مروری بر تبیین آیات ولایت توسط:

آیه مبارکه: ائمه

و: آیه مودت

علیه السلام

تعريف القربى

«الف ولام» در «القربى»، یا «الف ولام تعريف»
است ویا «الف ولام جنس»، اگر برای تعريف
باشد، «القربى» يعنى «يك قرباى مشخص» و اگر
برای جنس باشد، «القربى» يعنى «تمام قرباها» و یا
يعنى «هر قرباى».

القربی در آیه مودت

در تعبیر «القربی» در «آیه مودت»، «الف و لام القرابی»
حتماً «الف و لام تعریف» است و یعنی **یک قربای**
مشخص و «آیه ابتهال» به تنهایی این «قربای
مشخص» را معرفی می‌کند. **او حضرت زهرا مرضیه**
است که سلام خدا بر او باد.

قربى نزدیکترین خویش

«قربى» مؤنث «أقرب» است و «أقرب»، مفرد «اقربون» و صفت
تفضیلى یا صفتِ عالی «قربى» و به تنهایی به مفهوم «خویش»
نزدیکتر» و یا به مفهوم «نزدیکترین خویش» است. در بسیاری
از کاربردها، زمانى که «قربى» به تنهایی به کار مى رود
مانند بسیاری از کاربردهای مشابهش به عنوان «صفتِ
عالی» و یعنى به مفهوم «نزدیکترین خویش» به کار مى رود.

تعریف القربی در آیه مودت

بنا بر این، «القربی» یعنی آن قربای مفرد مشخص مؤنث و مقصود از آن، حتماً حضرت صدیقه مطهره است. این واژه در حالی که مفرد است می تواند مصادیق متعددی نیز داشته باشد و به هر حال، این خویشی از این وجود منتقل می شود.

آیهٔ ابتهاج، القربی را معرفی می‌کند

«آیهٔ ابتهاج» به راحتی «القربی» را معرفی می‌کند و به خوبی و بدون نیاز به بحث اضافه‌ای هم نشان می‌دهد که اجر در خواست شده بابت چیست و هم نشان می‌دهد که این اجر باید با محوریت حضرت زهرا علیها السلام پرداخت و تأدیه شود.

آية ابتهال معارف اجر رسالت

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ
فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا
حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ.

مروری بر تبیین آیات ولایت توسط:

آیه مبارکه: ائمه

و: آیات ایتاء حق ذوالقربی

مقصود از ذو القربی

القربی واژه مفردی است که می‌تواند بر مصادیق بسیاری صدق کند. اما «ذو القربی» واژه مفردی است که حتماً مفرد نیز هست. مقصود از این تعبیر، در آیاتی چند از کتاب خدا، حتماً حضرت صدیقه مطهره است که سلام خدا بر او باد.

تَبَيَّنَ آيَةُ اِيْتَاءِ حَقِّ بَا آيَةُ اِبْتِهَالِ

﴿وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ

وَابْنِ السَّبِيلِ وَلَا يُبْدِرْ تَبْدِيرًا﴾

سورة اسراء/٢٦.

تَبَيَّنَ آيَةُ إِيْتَاءِ حَقِّ ذُو الْقُرْبَىٰ

﴿فَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ

السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ

اللَّهِ وَأَوْلَىٰكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾.

سورة روم / ٣٨.

توضیحی بر تفسیر آیات ولایت توسط:

آپس بارگه، اہمال

مختصری نشانه کل

«آیه اَبْتِهال» در کنار عملکرد پیامبر رحمت،
شارح رسمی و مبین عملی تمام آیات ولایت و
امامت است که به گوشه‌ای از آنها اشاره
شد و همین مختصر می‌تواند اثر تبیینی این آیه را
در سایر آیات ولایت نیز روشن کند.

هم افزایی تعریفی میان این آیات

شکل و قالب آیاتی چند از آیات ولایت، شکل و قالب
حصری است. برای نمونه، «آیه تطهیر» و «آیه ولایت»
دارای شکل حصری هستند اما «آیه اعتصام» در
صورت ظاهر از چنین شکلی برخوردار نیست. باید
البته توجه داشت که «آیه ابتهال» برای تمام این
آیات، شکل حصری را اثبات می‌کند.

معرفی صراط مستقیم به صورت مصری

در آیه ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ مؤمنان از خدای حکیم تقاضای آن را دارند که آنان را همراه به «صراط مستقیم» هدایت کند اما در این آیه و به صورت ظاهر، «صراط مستقیم» معرفی نشده و معلوم هم نیست که صراط مستقیم در چه افرادی حصر شده است اما «آیه ابتهال» صراط مستقیم را به صورت حصری معرفی می‌کند.

شکل مصری برای تمام آیات ولایت و امامت

«آیهٔ ابتهال» برای تمام «آیات ولایت و امامت» شکل
حصری را اثبات می‌کند و به خوبی نشان می‌دهد که
اگر این گروه «حبل الله» هستند، تنها و تنها این
گروه «حبل الله» هستند و اگر چنانچه این گروه
«صادقان مطلق» هستند، تنها و تنها این گروه
«صادقان مطلق» هستند.

آیه مبارکه، ایتها

بسم الله
الحمد لله

مسئله تمام باورهای اعتقادی

بحث توحید در آیهٔ ابتهاال

بحث توحید در آیهٔ ابتهاال، تنها بحثی است که همه در آن اتفاق دارند و تمام آن چه در خصوص این آیه ساخته و پرداخته شده تنها به این بحث ارتباط دارد و به ویژه آن که در سابقهٔ این آیه نیز همین بحث مطرح شده است.

بحث نبوت عامه و خاصه در آیه اَبْتِهَال

طرف احتجاج محاجه کنندگان پیامبر خداست و این احتجاجها نه به آن خاطر است که محاجه کنندگان با شخص خاتم پیامبران بحث و گفتگوی خاصی داشتند. بحث آنان با آخرین پیامبر خدا بود و این به مفهوم آن است که در این آیه، بحث نبوت عامه و خاصه نیز مطرح است.

بمتهای ریز نبوت خاصه

ویژگیهایی که این آیه برای پیامبر رحمت
اثبات می کند، ریزترین بحثهای نبوت خاصه
است؛ بحثهایی که به صورتی بسیار فشرده و
کامل در این آیه مطرح شده است.

تعریف بحث معاد

در بحث معاد، نیز بحث‌های این آیه، دانستنی و شنیدنی است. زمانی که بحث از «لعنت خدا» در میان است، حتماً بحث قیامت نیز در میان است با این تفاوت که این آیه، بحث قیامت را به صورت جزئی نیز مطرح می‌کند و نشان می‌دهد که این گروه در قیامت نیز همانند دنیا، فعال ما ایشاء» هستند.

غدير اہم مسائل

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله

و

والصلاة والسلام

على

آل

محمد

وسلم

یکی از این دو صورت، رخ داده است

• «آیهٔ ابتهال»، در خصوص ماجرای غدیر و محاجّه‌هایی نازل شده که با پیامبر رحمت در این خصوص صورت گرفته است.

• ماجرای غدیر و محاجّه‌های پیرامون آن، یکی از مواردی است که باید برای آن ابتهال صورت بگیرد.

در واقعهُ ابتهال، معرفی عظیمی صورت گرفته است

هریک از این دو حالت که واقعیت داشته باشد،
ماجرای «ابتهال»، گویای تمام مطالبی است که در
«غدیر خم» و در «خطبه غدیر خم» رخ داده و بلکه
گویای بسیاری از مطالبی است که در «غدیر خم»
هم زمان گویایی آن وجود نداشته است.

زمان بزی بسیاری از موارد مطرح شده غدیر نه

بسیاری از مطالبی که در «غدیر خم» گذشت،
مانند «نزول آیه تبلیغ»، برای بار اول مطرح می شد و
نیاز به تبیین بیشتری داشت و نیز علت توقف باید
روشن می شود و بسیاری از مواردی که در غدیر
گذشت مانند اخذ اقرار و میثاق، ذاتش زمان بر بود.

مطالب زمان بر زمانش گذشته بود

در ماجرای «ابتهال» از این محدودیتها خبری هم نبود، ضمن آن که تمام بحثها و جدلها و محاجهها که زمان بر می باشد، صورت گرفته و اقرارها و میثاقها نیز اخذ شده بود و در زمان کمتری ممکن بود که این مطالب مطرح شود.

ابتهاال غدیری دیگر

آن چه در «ابتهاال» رخ داده با توجه به آن چه گذشت، از «ابتهاال» غدیری ساخته است که شاید «غدیر خم» در برابر آن، واقعه کوچکی به حساب آید اگر چه عنوان غدیری هم نداشته است و به همین جهت، نقلهای دست و پا شکسته‌ای برای آن وجود دارد.

آهسته آهسته جهت این اقدام روشن می شود

«ابتهال» در آخرین مقطع از مقاطع حیات پیامبر
رحمت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صورت گرفته است. در این مقطع، تمام
دعوت آن حضرت به یک «ابتهال» وابسته و به
گونه‌ای وابسته شد که پیروزی در این «ابتهال»، به
مفهوم پیروزی تمام دعوت و شکست در «ابتهال» به
مفهوم شکست تمام دعوت بود.

چرا این اقدام؟!

البته با این اقدام نه تنها تمام دعوت شکست می خورد
که تمام دعوت و دعوت کننده و تمام خاندان دعوت
کننده نابود می شدند و نیز تمام افرادی بود که به پیامبر
رحمت و به آیین او ایمان آورده بودند، از میان می رفتند و صد
البته که در این صورت، دیگر اثری از آثار توحید نیز بر
روی زمین، نه و بلکه در تمام عالم باقی نمی ماند.

پیشنهاد ابتهال

پیشنهاد «ابتهال» از سوی خدای حکیم جَلَّ جَلَالُهُ و پیامبر
او صورت گرفت و این به آن مفهوم است که **خدا**
و رسول او **نستجیر بالله** - به یک باره، با یک
پیشنهاد غافلگیرانه از سوی مخالفان رو برو نشده
بودند بلکه این امر با اراده خاص خدا و رسول انجام
می شد.

وابسته سازی بی دلیل نیست

اکنون دیگر روشن است که این وابستگی و این پیوند _ آن هم با این ابعاد _ با چه هدف و یا اهدافی ایجاد و پی گیری شده است و این همان است که در «آیه تبلیغ» ملاحظه می شود.

آيَةُ تَبْلِيغٍ

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ مَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾

سورة مائده / ٦٧.

پاسخ پرسش‌هایی مطرح

اکنون و با توجه به آن چه گذشت، حتی با فرض
آن که «ابتهال» برای نصاری نجران نیز رخ داده
باشد، دیگر جایی برای آن پرسش‌ها وجود ندارد که
چرا «ابتهال» برای پسر نداشتن خدا باید انجام
بگیرد، آن هم در این مقطع؟!!

دو ولی برای مؤمنان، دو مولی برای همگان

اکنون دیگر برای این پرسش جایی وجود ندارد
که چرا باید دو طفل خردسال را در این سن به
«ابتهال» دعوت کرد؟! آن دو نیز همانند پدر
و مادر و پدر بزرگشان، برای مؤمنان دو «ولی» و
برای همگان دو «مولی» هستند.

و پر کپی های
غندم در اتمنال

مکر هماره کافران و مکر فدای مکیه

﴿وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ

الْمَاكِرِينَ﴾

سوره آل عمران / ۵۴.

مکر هماره کافران رو به سوی خاتم پیامبران

﴿وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ
يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ
وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾

سوره انفال / ۳۰.

غدير ابتهال، پاسخ به مکر کافران در مورد غدیر

در پاسخ به اقدامهای کافران و مشرکان و

منافقان و شانئان در خصوص غدیر و

استخلاف غدیر، **خدای حکیم از همین**

ماجرا، غدیر دیگری ساخت با عنوان

«ابتهال».

منبر غدیر ابتهال

در مکان «ابتهال» منبری همانند منبر «غدیر خم» گذارده
شد و خطبه‌ای خاموش همانند خطبه «غدیر خم» خوانده
شد و اگر چنانچه در غدیر خم حضرت صدیقه مطهره علیها السلام
بر روی جهاز شتران کاروان حاضر نبود تا به مردم معرفی
شود، در «ابتهال»، او بر روی فرشی از کساء خیبری در
کنار پیامبر رحمت حاضر بود.

مضمر تمامه فائوده در کنار پیامبر خدا

دور یحانه پیامبر رحمت نیز در مکان ابتهال حاضر بودند در حالی که برای «غدير خم» چنین گزارشی وجود ندارد. پیامبر خدا در «ابتهال» برای این عزیزانش نیز به صورتی خاموش همان مطالبی را فرمود که در باره امیر مؤمنان فرموده بود.

فدا قطبه خوانده است

در «ابتهال» به جای خطبه پیامبر رحمت، خدا
خطبه خوانده و این خطبه به صورت نزول
آیه‌ای از قرآن القا شده و این آیه با عملکرد
خاتم پیامبران، کار تمام خطبه پیامبر
رحمت در «غدیر خم» را انجام داده است.

خطبه‌ای به صورت قصص حق

نباید فراموش کرد که «آیهٔ ابتهال»، «قصص حق» است؛
قصص حقی که خدا آن را بازگو کرده است. بنا بر این، اگر
ادعا شود که خدا در این آیه تمام خطبهٔ پیامبر رحمت را
مرور و بازگو کرده سخن گزافه‌ای گفته نشده به ویژه آن
که «خیر الماکرین» در این آیه، تمام ناگفته‌های «غدیر خم» را
نیز بازگفته است.

ناگفته‌های فضایل امیر مؤمنان

در «غدیر اَبتهال» بسیاری از ناگفته‌های فضایل امیر مؤمنان نیز گفته شد و با قلم الهی در کتاب خدا ثبت شد تا دیگر یهودیان و یهودی زدگان نتوانند آن را انکار کنند و تا آن که تنها کاری که در این خصوص از دست آنان برمی آید این باشد که خودشان را به نقش خانه خودشان و ابو عبیده جراح مشغول کنند.

تصديق فضائل امير مؤمنان

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ فَضَائِلَ «عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ»

عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ - وَقَدْ أَنْزَلَهَا فِي

الْقُرْآنِ - أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ. **فَمَنْ**

أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَعَرَّفَهَا فَصَدَّقُوهُ.

کسی حق تکذیب ندارد

یعنی اگر امشب روی این منبر در فضیلت امیر مؤمنان
چنین گفته شد و چنان، کسی حق تکذیب ندارد،
به شرط آن که با نام فضیلت، ناشایستها به آن
حضرت نسبت داده نشود. به گوشه‌ای از این فضایل
در بحث امشب و دیشب اشاره شد.

فاموشی قطبۀ غدیر در مورد جنگهای امیر ابرار

در «غدیر خم»، تمام سخن در فضیلت امیر مؤمنان بود و گوینده فضایل هم خاتم پیامبران صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بود با این حال، گوشه‌ای از فضایل آن حضرت هم باز گونشد. در «غدیر خم» بحثی از جنگهای امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام به میان نیامد و اگر هم به میان آمد برای آیندگان گزارش نشد.

یا گفته نشد و یا گزارش

در غدیر خم از اقدامهای امیر ابرار علیه السلام
برای به ثمر نشان دادن نخل اسلام سخن
به میان نیامد و اگر چنانچه به میان
آمد، برای آیندگان گزارش نشد.

جای خیبر و تبوک در فطبه غدیر خالی است

در غدیر خم از خیبر و از تبوک امیر مؤمنان صلی الله علیه و آله سخنی به میان نیامد که امیر ابرار چگونه تمام عظمت یهودیان را یک تنه به تمام ذلت تبدیل کرد و چگونه مکر آنان و منافقان و شانسان را یک تنه به خاک نشانند و اسباب ذلت هر چه بیشتر آنان را فراهم کرد؟

در غدیر ابتهال اما سخن به میان آمده است

در «غدیر ابتهال» اما از تمام این موارد با قلم قدرت
خدا جل جلاله و پیامبر خدا صلى الله عليه وآله به صورتی صحبت به
میان آمد که همه ناظران بدون آن که سخنی در
این موردها گفته شود، تمام این صحنه‌ها را
خودشان و به خودی خودشان مرور می‌کردند.

تمام سخن با یک سایه بان و یک زیر انداز

با زدن یک کساء به عنوان سایه بان و یا با انداختن یک کساء به عنوان زیر انداز، تمام سخن برای تمام آنان که دیده داشتند، به صورت «قصص حق» تعریف شده است و تمام مردم هم اگر چنانچه دم نمی زدند با خودشان تکرار می کردند که هر چه از فضایل درباره او بگویند، خدای کم گفته اند.

غدیر اَبْتِهال، جواب شورشها

غدیر اَبْتِهال، جواب شورشهای برخاسته به دنبال
واقعهٔ غدیر است. غدیر اَبْتِهال، جواب بحثهای
برخاسته به دنبال واقعهٔ غدیر است. **غدیر اَبْتِهال،**
یعنی پایان احتجاج برای غدیر خم. غدیر اَبْتِهال،
یعنی حق امیر مؤمنان در غدیر خم محقق شده و بر
کرسی نشسته است.

ابتهال پیامبر خدا در غدیر ابتهال

در غدیر ابتهال پیامبر خدا ابتهال کننده بود
و خدای پیامبر خدا سخنگو. در غدیر ابتهال
خدا پاسخ منافقان و شانئان را به گونه‌ای
می‌داد که دیگر جای نفس کشیدن را نیز
برای آنان باقی نمی‌گذاشت.

بندگان ممتازی از خدا

در غدیر ابتهال، پیامبر رحمت و همراهان، همه ابتهال
کننده بودند و ابتهال یعنی نهایت عبودیت. بنا بر

این، غدیر ابتهال مشخص می‌کند که پیامبر
رحمت و خانواده او در اوج بزرگی، بنده خدای حکیم
هستند؛ بندگانی که او ممتازشان داشته است.

رابطه دعا و بنده و خدا

﴿قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا

دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ

يَكُونُ لِرَامَا﴾.

سوره فرقان / ۷۷.

غدیر ابتهال مخالفان را پیشیمان کرد

در غدیر ابتهال کار به آن جا رسید که همه
مخالفان از کرده خودشان آن **گونه پیشیمان**
شدند که تا قیامت انگشت ندامت را به
دندانهایشان **بگزند**؛ به دندانهایی که امیر مؤمنان
در دهان آنان گزارده بود.

منبری از سلحشوران به خاک نشسته

در غدیر خم، منبر پیامبر رحمت از جهاز شتران کاروان ساخته شد اما در غدیر ابتهال منبر خاتم پیامبران از یادمان پشته‌های کشته‌های یهودیان خیبر ساخته شد. منبر غدیر ابتهال، بر روی قلعه‌های ویران شده به خاک نشسته خیبر بنا شد. منبر ابتهال، روی دشتی از فضایل امیر مؤمنان ساخته شد که همه از گفتنش ناتوان مانده‌اند.

سخنانی که در سایه بان نوشته شده بود

غدير ابتهال سایه بان نیز داشت. در حاشیهٔ سایه بان غدير ابتهال، سخنان بسیاری نوشته شده بود که حکم کتیبه‌های زینتی تمام کاخهای بزرگ عالم را داشت. بر روی این کتیبه‌ها نوشته شده بود: اگر یهودیان پسران خدا بودند، این چنین دلیل نمی‌شدند. و مگر نه آن است که یهودیان نیز مانند نصرانیان خودشان را پسران خدا می‌دانستند.

یهودیان و نصرانیان ، پسران ادعایی خدا

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ
وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ
بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن
يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾

سوره مائده / ۱۸.

مشابهت یهودیان و نصرانیان در پسر سازی

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى

الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ

يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمْ

اللَّهُ أَنَّى يُوَفِّكُونَ﴾.

سوره توبه / ۳۰.

پروندهٔ امتحانِ دیگر بسته شده است

غذیر ابتهال یعنی ای یهودیان، ای نصرانیان، ای منافقان، ای
شانئان، دیروز پروندهٔ احتجاج بسته شد. اگر یهودیان پسران
خدا بودند، خدا آنان را این گونه عذاب نمی کرد و پوست
سلحشوران آنان را این گونه در این مکان آویزان نمی کرد و
پرچم ذلت آنان را این گونه برافراشته نمی ساخت.

شانئان دیده‌ها را باز کنید تا ببینید

غدير ابتهال یعنی ای شانئان، دیده‌هایتان را باز کنید، پسران پیامبر خدا و دختر او این جا زیر سایه فضایل امیر مؤمنان آسوده نشسته‌اند، دیگر لازم نیست برای او پسر سازی کنید. و غدير ابتهال یعنی تا ابد همه بدانند که پیامبر خدا پسر داشت و همین یهودیان و یهودی زدگان پسران پیامبر خدا را آن گونه کشتند که زبان را یارای بیان آن نیست.

اگر خدا می خواست فرزند انتخاب کند

غدير اشتهال يعنى خدا اگر مي خواست براي خودش فرزند
انتخاب کند، رسول خدا را به عنوان فرزند انتخاب مي کرد،
امير مؤمنان را انتخاب مي کرد، حضرت زهراي مرضيه را
انتخاب مي کرد حضرت مجتبي را انتخاب مي کرد، حضرت
سيد الشهداء را انتخاب مي کرد و نه عيسي را و نه عزيز را.

اگر خدا می خواست فرزند اختیار کند

﴿لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفَى

مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ

الْوَّاحِدُ الْقَهَّارُ﴾. سورة زمر، ۴.

همه باید درس بگیرند

غدير ابتهال یعنی بقیه هم باید درس بگیرند، باید
عبرت بگیرند، باید به خودشان بیایند، **باید به**
امید کودتای این افراد، شب را به روز و روز را به
شب نرسانند. و غدير ابتهال یعنی: ﴿لِيَهْلِكَ مَنْ
هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ﴾.

از تو سرو ز مادر من سینه‌ای شکست
تا صبح حشر بر سرو بر سینه می‌زنم

جدم که نیست در بر تو مادرم که نیست
دارم برای چند نفر سینه می‌زنم

من در مدینه یاد گرفتم که هیچ وقت
زخمی که شد عمیق مداوا نمی‌شود

گر چند ضربه هم زده بودند باز هم
پیشانی تو بیش از این وا نمی شود

گفتند گفته ای که مرا کوچه می برند
می خواهم از بیان خودت بشنوم بگو

گفتند گفته ای که تماشام می کنند
می خواهم از زبان خودت بشنوم بگو

بابا خودت بگو سر بازار می روم

بابا خودت بگو که گرفتار می شوم

بابا خودت بگو به سرم سنگ می زنند

بابا بگو بدون علمدار می شوم

علی اکبر لطیفیان

